نامگذاری فرزندان در اسلام

**مؤلف:**

**صادق رجبيان تمک**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | نامگذاری فرزندان در اسلام | | | |
| **مؤلف:** | صادق رجبیان تمک | | | |
| **مترجم:** |  | | | |
| **موضوع:** | فقه و اصول – احوال شخصیه (نکاح، طلاق، جنایز...) | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc432253454)

[نامگذاری فرزندان در اسلام 1](#_Toc432253455)

[چه وقت نوزاد نامگذاری می‌شود؟ 1](#_Toc432253456)

[نامگذاری با نام‌های غير عربی 10](#_Toc432253457)

[منابع كتاب 12](#_Toc432253458)

نامگذاری فرزندان در اسلام

یکی از امور پسندیده اجتماعی آن است که پس از تولد فرزند، پدر و مادر برای او نامی انتخاب می‌کنند تا با آن شناخته شود و برای دور و نزدیک قابل شناسایی باشد وچون شریعت اسلامی کامل شد و هیچ موردی را فروگذار نکرده است، به این نکته نیز توجه نموده و به آن اهمیت داده است و احکامی وضع نموده که نشانگر توجه این عقیدة والا به موضوع فوق است، تا امت اسلامی تمامی مسائل مربوط به نوزاد را هم بداند و تمامی آنچه را که باعث ارتقاء و تکامل شخصیت و تربیت او می‌گردد بشناسد و بکار گیرد.

چه وقت نوزاد نامگذاری می‌شود؟

اصحاب سنن از «سمره» روایت می‌کنند که گفت: رسول خدا ج فرمود: »كُلُّ غُلاَمٍ رَهِينٌ بِعَقِيقَتِهِ تُذْبَحُ عَنْهُ يَوْمَ سَابِعِهِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ وَيُسَمَّى».

«هر بچه‌ای در گرو عقیقه‌اش([[1]](#footnote-1)) است که روز هفتم، (گوسفندی) از طرف وی سربریده می‌شود و در آن روز نامگذاری شده و سرش را می‌تراشند».

بنابراین، حدیث نامگذاری نوزاد باید در روز هفتم بعد از ولادت باشد و از طرف دیگر احادیثی داریم که دلالت دارد براینکه نامگذاری نوزاد در همان روز ولادت است.

«امام بخاری» و «امام مسلم» از «سهل بن الساعدی» روایت می‌کنند که می‌گوید:

وقتی «منذر بن ابواسید» متولد شد او را نزد رسول اکرم ج آوردند، پیامبر ج نشسته بود و بچه را بر روی زانویش نهاد در حالی که «ابواسيد» نشسته بود، پیامبر اکرم ج به چیزی که در برابرش بود سرگرم شد، «ابواسيد» امر کرد تا بچه را از روی پای حضرت رسول ج بردارند.

پیامبر ج فرمودند: بچه کجاست؟ «ابواسيد» گفت: ای رسول خدا ! بچه را برگرداندیم.

پیامبر ج فرمود: اسمش چه بود؟ گفت: اسمش فلان بود.

فرمودند: خیر، بلکه اسم او منذر است.

همچنین در صحیح «مسلم» در حدیث سلیمان بن المغیره، از ثابت از «انسس» آمده که گفت:

پیامبر ج فرمودند: امشب بچه‌ام بدنیا آمد، او را به نام پدرم ابراهیم نام نهادم.

از احادیثی که گذشت، چنین بر می‌آید که در اسم گذاری از لحاظ زمانی وسعت زیادی هست، جایز است که در همان روز اول ولادت باشد و می‌شود آن را تا سه روز به تأخیر انداخت و یا در روز عقیقۀ نوزاد که روز هفتم است، می‌شود انجام گیرد و قبل از عقیقه و بعد از آن هم مجاز است.

بر پدر و مادر واجب است که بهترین و زیباترین نام‌ها را برای فرزندان خویش انتخاب کنند، پیامبر گرامی ما که درود و سلام خدای بر او باد ـ در این باره مسلمانان را تشویق نموده و به انجام آن امر فرموده‌اند:

**«**إِنَّكُمْ تُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَسْمَائِكُمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِكُمْ فَأَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ»([[2]](#footnote-2)). «روز قیامت شما را با نام‌های خود و پدرانتان صدا می‌زنند، پس نام‌های نیک برگزینید».

و همچنین از ابن عمرب آمده است که گفت: رسول خدا ج فرمود: **«**إن أحب أسمائكم إلی الله عز وجل عبد الله وعبد الرحمن**»** «محبوب‌ترین نام‌هایتان نزد خدای عزّوجل «عبدالله» و «عبدالرحمن» است.»

امّا اسلام اصولی برای نامگذاری کودک قائل شده است:

نام نیک باشد، به طوری که مردم آن را قبیح و زشت نشمارند و کودک پس از بزرگ شدن و به حد بلوغ رسیدن از آن اکراه نداشته باشد و یا کرامت و احترام فرزندشان را خدشه دار نکند و باعث استهزاء نشود.

نام بیانگر بدبینی و تشأوم([[3]](#footnote-3)) نباشد، و یا معنی آن ناپسند نباشد، در ضمن نام شخصی نباشد که بر فسق و فجور در میان مردم مشهور است و امثال آن، این گونه اسامی برای نامگذاری مناسب نیست. پیامبر گرامی ج نام‌های زشت را به نام‌های نیک تغییر می‌داد. هچنین پدر مادر و برهیچکس دیگرجایز نیست که فرزندان و یا کسانی را با القاب زشت صدا کنند، القابی مانند «قصیر» (کوتوله یا کوتاه) «اعور» (یک چشم) «اخرس» (لال) «خنفساء» (سوسک سیاه) و مانند آن. زیرا خدای متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ﴾ [الحجرات: 11].

«و یکدیگر را با القاب (لقب‌ها) زشت و ناپسند مخوانید و منامید».

استاد شهید سیدقطب در تفسیرش فی ظلال القرآن در رابطه با این آیه می‌گوید:

@ازجمله تمسخرها و عیبجوئی‌ها مردمان را ملّقب به القاب زشت و قبیح نامیدن است.

القابی که مردمان از آن‌ها بدشان می‌آید و احساس می‌نمایند ایشان را مورد استهزاء قرار می‌دهند و بدان القاب ننگین شان یاد شان می‌کنند. ادب مؤمن هم اقتضاء می‌کند که برادر خود را با همچون القابی اذیت و آزار نرساند.

پیامبر خدا ج اسم‌ها و لقب‌هائی را تغییر داد که در دورۀ جاهلیت برکسانی گذاشته بودند با احساس تیزبین و هوش سرشار و دل بزرگوارش درک و فهم فرموده بود که چنین نام‌ها و لقب‌هائی دارندگان خود را ننگین می‌دارند و ایشان را می‌آزارند، یا آنان را به صفت نکوهیده و ناپسند متصّف می‌سازند!.

این آیه پس از اشاره به ارزش‌ها و معیارهای حقیقی در ترازوی خدا، و پس از به جوش و خروش در انداختن احساس و شعور برادری، بلکه احساس و شعور جای گرفتن در پیکرۀ فرد یگانه‌ای، معنی ایمان را برمی انگیزد، و مؤمنان را از فقدان ‌این وصف بزرگوارانه، و از دررفتن از آن، و انحراف از آن، به سبب تمسخر کردن و عیبجوئی نمودن و به القاب زشت و پلشت ملقّب ساختن، می‌ترساند و برحذر می‌دارد: ﴿بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِ﴾ (برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه آلود (دالّ بر تمسخر، و طعنه زدن و عیبجوئی کردن، و به القاب بدخواندن) گفتن و برزبان راندن.»

تمسخر کردن و عیبجوئی نمودن و دیگران را به القاب زشت و پلشت خواندن، چیزی است که به برگشت از ایمان می‌ماند! این آیه تهدید می‌کند که چنین کارهایی ظلم بشمار می‌آید، و ظلم یکی از تعبیراتِ شرک است: ﴿وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾

«کسانی که (از چنین اعمالی واقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار، و باخرده گیری‌ها، و ملقّب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند)».

بدین وسیله این آیه پایه‌های ادب درونی و خلق و خوی روحانی را برای بنیاد جامعۀ فاضل و بزرگوار بالا می‌برد و استوار می‌دارد.

امام ترمذی و ابن ماجه از ابن عمرب روایت می‌کنند: که هماناحضرت عمر دختری به نام «عاصیه»([[4]](#footnote-4)) داشتند، رسول خدا نامش را به «جمیله» تغییر دادند. ابوداود روایت می‌کند: پیامبر اکرم این نام‌ها را تغییر داد: عاصی، عزیز، عتله([[5]](#footnote-5))، شیطان، حکم، غراب، حباب([[6]](#footnote-6)) و همچنین ابوداود روایت می‌کند که نام‌های ذیل را رسول خدا بدین گونه تغییر دادند: نام «حرب» را که به معنی جنگ است و «سلم» که به مفهوم صلح است، عوض کــردند. نام «مضطـجع»([[7]](#footnote-7)) را به منبعث و «بنی الزّنیه([[8]](#footnote-8)) را بنی الرّشده» تغییر داد.

نام، بیانگر تکبر، عظمت و خودبینی نباشد: در حدیث صحیح روایت شده است که پیامبر گرامی ج می‌فرماید: **«**أخْنَعُ إسْمٍ عندَ الله يَومَ القِيامَهِ رَجُلٌ تُسَّمي مَلِكُ الأمْلاك، لاملك الّا الله**»**([[9]](#footnote-9)).

«زشت‌ترین نام نزد خداوند متعال در روز قیامت مردی است که خود را شاه شاهان، شاهنشاه نام نهاده باشد، در صورتی که فقط خداوند متعال مالک و صاحب این جهان است.»

بر والدین واجب است که از گذاشتن نام‌هایی که به خداوند سبحان اختصاص دارد، خودداری کنند.

مثلاً گذاشتن (اسماءالله الحسنی) مانند: احد، صمد، خالق، رازق، رحمان، مُهیمن، جبار، متکبر، باری و یا در نام خانواده گی بکار بردن مانند: الهی ثانی، رحمان زاده، رحمانی، رحمانی نژاد، خالقی، خالق نژاد، خالق نیا، خالقی پور، خالقی زاده، خالق پور، سبحان زاده امان بردی، مشهدبردی (یعنی فرزند را به او مشهد بخشیده است) و امثال آن حرام است. به همین ترتیب، نامگذاری با نام‌هایی که مختص خداوند متعال نیستند، امّا علامت معرفه دارند، مانند: العزیز، الحکیم، العلی، العلیم و امثال آن جایز نیست، ولی توصیف اشخاص با آن اسامی به صورت نکره هیچ اشکالی ندارد، و همان طور که شاهد هستید نام‌هایی چون علی و حکیم نام اصحاب پیامبر بود یا اسامی دیگری مانند: عزیز، حلیم، رئوف، کریم، رشید، ‌هادی، نافع و امثال آنکه از این قبیل است، سنت است که تسمیه‌ی اشخاص با یکی از نام‌های پیامبران و صالحان باشد، تا از یک طرف یادی از آن بزرگان گردد و از طرف دیگر سبب تشویق و ترغیب و پیروی از آنان شود.

نام، بیانگر پرستش غیرخدا نباشد، مانند: عبدالکعبه، عبدالنبی، عبدالرضا، عبدالرسول، عبدالحسین، عبدالمحمد، محمدقلی، مشهدقلی، ارازقلی، اولیاءقلی، ایشان قلی، جمعه قلی، پیغمبرقلی، براتقلی، عوض قلی، امیرقلی، حیدرقلی، خدرقلی، امان قلی([[10]](#footnote-10))، یا نام‌هایی که میان غیرعرب معروف است مانند:غلام احمد، غلام علی،غلام گیلانی و امثال آن‌ها ازجمله نام‌های حـرام هستند.

ابن حزم روایت می‌کند که امت برتحریم هرگونه نامی که بیانگر پرستش غیرخدا باشد، جز «عبدالمطلب» اجماع دارند.

امّا در اینجا شاید سئوالی برای خوانندۀ عزیز پیش‌آید، سئوال وآن اینکه، اگر این نام‌ها حرام هستند، چرا پیامبر اکرم در غزوۀ «حنین» در گرماگرم و بحبوحۀ جنگ بر بلندی رفته و فریاد برآوردند:

**«**أنَا النَّبِيُّ لا كَذِبْ أنَا ابْنَ عَبْدُ الْمُطَّلِبْ**»**([[11]](#footnote-11)).

منم پیامبر بر حق، دروغ نیست منم فرزند عبدالمطلب باید درجواب گفت: که درست است که پیامبر کلمۀ «عبدالمطلب» را بر زبان جاری کردند ولی این نام بردن از باب انشاء و ابتداء نبود، یعنی این نام را ایشان(پیامبر) ایجاد نکرده است و قبل از جاری ساختن آن بر زبان، ابتدا آن نام را بر شخص معین گذاشته بودند.

«ابن القیم» می‌گوید: در اینجا رسول خدا ج اسمی را بیان کردند و خبر از نامی دادند که مسمّای آن که پدر بزرگ ایشان بود قبلاً به این نام شناخته شده بود.

خصوصاً در مواضعی که در آنجا رسول خدا ج در مقابل دشمنان، مبارزه طلبی می‌نمودند، پس در مواضعی مانند موضع رسول اکرم ج در جنگ «حنین» حرام نیست.

دلیل دیگر آنست که اصحاب رسول خدا ج در مقابل ایشان نام قبایل‌شان را مانند: «بنی عبدمناف» «بنی عبدشمس» و «بنی عبدالدّار» می‌بردند و آن حضرت آنان را نهی نمی‌کرد، زیرا نامی است که قبلاً گذاشته شده و کسی یا گروهی با آن نام خاص شناخته می‌شوند.

نکته قابل توجه در بحث اخیر آن است که نام‌هایی که عبودیت غیرخدا را می‌رساند، اگر بخواهیم از آن خبر دهیم اشکالی ندارد، ولی اگر ایجاد نمائیم و یا خود ابتداء به شخص معینی بگذاریم، قطعاً حرام خواهد بود.

و والدین محترم باید از اسم‌هایی که دلالت برگداختگی و عشق سوزان و سرگشتگی دارد بپرهیزند مانند: «هیام» (عاشق سرگشته) «هیفاء» (کمر باریک) «نهاد» (دخترسینه برجسته) «میاده» (زن لرزان) «غاده» (زن نرم اندام) «احلام» (جمع حلم به مفهوم عقل و بردباری یا جهالت) و ازنام‌های مشابه که خود می‌توانیم براساس این قاعده آن را دریابیم.

نامگذاری فرزندان بااسم‌هایی که بیانگرانزجار از اینکه فرزند دختر شده است، اشکال دارد:

در پرتو همین رهنمون قرآن و سنت نبوی نامگذاری فرزندان که بیانگر انزجار از اینکه فرزند دختر شده است اشکال دارند نام‌های همچون: بَسْدِر (بس است) قیزسونگی (آخرین دختر یا پایان دختران) دویدق (سیرشدن از فرزند دختر) اوغل دوندی (آرزوی پسر را داشته، زمانی که آن اولاد دختر بوده و به او می‌گفتند: اوغل دوندی از حالت مؤنث به مذکر تبدیل بشود) اوغل گِرِگ (فرزند پسرمی خواهم) خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ٥٨ يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ٥٩﴾ [النحل: 58-59].

«و هرگاه به یکی از آنان مژده تولد دختری بدهی چهره‌اش سیاه می شود، در حالیکه خشمگین است به دلیل خبرنا خوشایندی که به او داده اند، خود را از دید قوم پنهان می‌کند و در این اندیشه است که آیا او را با خفت وخواری نگهدارد یازنده به گور کند، به راستی که بد حکم می‌کنند».

حال اگر کسی بازهم خبر تولد دختر را نا خوش بدارد به علت ضعف ایمان و عقیده متزلزل اوست چرا که به تقدیر الهی راضی نیست، اگر درست بیندیشد، در میابد که والدین طفل و تمامی اهل زمین اگر دست به دست هم بدهند قادر به تغییر قانون الهی نیستند. ویاعقیده دارند که فرزندی بعد از بدنیا آمدن فوت می‌کرد،مادرویانوزادبعدی رابه مکانی بنام اُجُقْ و یا خانقاه می‌بردندکه جایگاه دراویش است (ویا هرمکانی نظیرآن) که از ایشان می خواستند که نوزاد آنان را از مرگ حتمی محفوظ نماید و یا زنانی که نازا هستند فرزندی ببخشاید، وهمچنین نام‌هایی نظیر: تاج دردی، حاجی دردی (ماندن) یعنی با گفتن چنین کلمه به نظرشان جان کودک از خطر مرگ نجات پیدا می‌کرد و او را به آن نام، نامگذاری می‌کردند. ولی این کار در توانایی کسی است که مالک آن باشد و بر آن توانایی داشته باشد که فقط خدای سبحان است که آن توانایی را دارد، و او است که برکت را می‌فرستد و آن را ثابت نگه می‌دارد، خداوند متعال در قرآن کریم تمامی دَرِ بخشیدن فرزند دختر و پسررا، بغیر از خودش بسته و او بر همه چیز قادر و تواناست و در قرآن کریم دررابطه با بخشیدن اولاد و علم آن چنین می‌فرماید:

﴿مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ٤٩ أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ٥٠﴾ [الشورى: 49-50].

«هرچه بخواهد می‌آفریند. به هرکس بخواهد دخترانی می‌بخشد و به هرکس که بخواهد پسرانی عطاء می‌کند و یا این که هم پسران می‌دهد و هم دختران. و خدا هرکه را بخواهد نازا می‌کند. او بس آگاه و توانا است».

همه این حالات تابع مشیت و ارادۀ خدا است. هیچ کسی جز خدا در این حالت دخالت ندارد، او است که برابر علم و آگاهی خود همچون حالاتی را مقدّر و مقررّ می‌فرماید، و یکایک آن‌ها را با قدرت و قوّت خویش اجراء و تنفیذ می‌نماید: ﴿إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ﴾ «او بس آگاه و توانا است».

این چنین نام‌های بی محتوا که در بین اقوام ترکمن نامگذاری می‌شود، که چنین نامگذاری با نص صریح قرآن وسنت مخالف است، باید بپرهیزند. اما چرا این نام‌ها مطلوب نیست؟ در جواب باید گفت:

این نام‌ها اعتبار امت اسلامی را لکه دار و هویت او را نابود کرده و معنویات او را از بین می‌برند.

نامگذاری با نام‌های غير عربی

حکم اسلام به وجوب برگزیدن نام‌های عربی یا غیر عربی برای فرزندان پسر یا دختر نیست بلکه چنین مسئله‌ای را به خود خانواده واگذار کرده است ولی ازآنان می‌خواهد که در نامگذاری فرزندان خود از نام‌های نیک استفاده کنند. هیچ فقیهی نامگذاری اشخاص را با یکی از نام‌های غیرعربی ـ اگر آن نام در آن زبان نیکو باشد ـ ممنوع ندانسته است. بسیاری از مسلمانان پس از آنکه اسلام را پذیرفتند بر نام‌های غیرعربی خود باقی ماندند، با وجود اینکه در محیطی عربی بودند. نمونه‌ی بارز آن «ماریه»‌ی قبطی مادر ابراهیم پسر پیامبر گرامی ج است، که با همان نام قبطی مصری در میان مسلمانان مشهور است.

وقتی که به اسامی اصحاب و تابعان آنان نظری بیافکنیم، در می‌یابیم که نام‌های حیوانات و پرندگان است، مانند اسد، فهد، هیثم، صقر و... یا از نام جمادات و اشیای طبیعی است، مانند: بحر، جبل، صخر و... یا از اوصاف مشتق شده است، مانند: عامر، سالم، عمر، سعید، فاطمه، عائشه، صفیه، میمونه و... یا نام یکی از پیامبران و صالحان پیشین است، مانند: ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، مریم و...

در پرتو چنین اصولی است که پی می‌بریم هر مسلمان می‌تواند از نام‌های عربی و غیرعربی برای نامگذاری فرزندش استفاده کنند.

**صادق رجبیان تمک**

**کلالـه ـ توتلی تمک**

منابع كتاب

1. قرآن کریم
2. تفسیر فی ظلال القرآن
3. صحیح بخاری
4. صحیح مسلم
5. سنن ترمذی
6. سنن ابی داوود
7. سنن ابن ماجه
8. سنن نسائی
9. دیدگاه‌های فقهی معاصر (فتاوای معاصر) دکتر یوسف قرضاوی
10. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ (تربیه الاولاد فی الاسلام) - عبدالله ناصح علوان
11. توسل (وساطت بین خدا و بندگان) ابراهیم محمدی
12. نبی رحمت – ابوالحسن ندوی
13. زیارت مسنون – صادق رجبیان تمک

1. - عقیقه به مفهوم ذبح گوسفند به جهت تولد نوزاد در روز هفتم ولادت. [↑](#footnote-ref-1)
2. - روایت ابوداود حدیث حسن. [↑](#footnote-ref-2)
3. - تشاؤم: فال بدزدن به چیزی (لغت نامه‌ی دهخدا). [↑](#footnote-ref-3)
4. - عاصیه: طغیانگر، کسی که فرمان نمی پذیرد. [↑](#footnote-ref-4)
5. - عتله: شدت و غلظت. [↑](#footnote-ref-5)
6. - نام نوعی مار است. [↑](#footnote-ref-6)
7. - مضطجع: خوابیده، منبعث: برخاسته. [↑](#footnote-ref-7)
8. - بنی الزّنیه: یعنی فرزندان زنا ، بنی الرشده: فرزندان رشد و آماده‌گی. [↑](#footnote-ref-8)
9. - روایت بخاری، مسلم و ابوداود. [↑](#footnote-ref-9)
10. - نام‌هایی که همراه با قلی آمده در بین اقوام ترکمن نامگذاری و معروف است. [↑](#footnote-ref-10)
11. - بخاری 2930 ، مسلم 4507 ، امام احمد 18495 و 18502. [↑](#footnote-ref-11)